

تحفه خاقانیه

گزارش سفر هند

(۱۲۳۱ق / ۱۸۱۶م)

میرزا رفیع نوری

(درگذشته ۱۲۵۰ق / ۱۸۳۵م)

به کوشش

رسول جعفریان

(استاد دانشگاه تهران)

بهار ۱۴۰۱

سرشناسه	: نوری، میرزا رفیع، ۱۲۵۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور	: تحفه خاقانیه: گزارش سفر هند در سال ۱۲۳۱ ق. / میرزا رفیع نوری؛ به کوشش رسول جعفریان.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علم، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۹ ص.: مصور، نمونه.
شابک	: 978-622-246-355-7
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: نوری، میرزا رفیع، ۱۲۵۰ ق. -- سفرها -- هند
موضوع	: سفرنامه‌های ایرانی -- متون قدیمی تا قرن ۱۴ Travelers' writings, Iranian -- Early works to 20th century
موضوع	: هند -- سیر و سیاحت -- متون قدیمی تا قرن ۱۴ India -- Description and travel -- Early works to 20th century
شناسه افزوده	: جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ - گردآورنده
شناسه افزوده	: Jafariyan, Rasul
رده بندی کنگره	: DS۴۰۹
رده بندی دیویی	: ۹۱۵/۴۰۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۳۳۸۵۹



تحفه خاقانیه

میرزا رفیع نوری

به کوشش: رسول جعفریان (استاد دانشگاه تهران)

چاپ اول: ۱۴۰۱

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: ترنج رایانه

چاپ: مهارت

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۷-۳۵۵-۲۴۶-۶۲۲-۹۷۸

فهرست مطالب

۱۴	مقدمه مصحح در باره مولف و کتاب
۱۶	نام نویسنده و کتاب
۱۷	در باره نویسنده
۲۱	فهرست محتوای کتاب
۲۲	نسخه های تحفه خاقانیه
۲۶	در باره محتوای کتاب و اهمیت آن
۲۹	استفاده مولف از مشاهدات خود و اقتباس از دیگران
۳۲	در باره فرنگیان
۳۹	مقدمه مؤلف
۴۲	تألیف و تحریر سفرنامه حسب الأمر سلطان عصر
۴۳	[خطبه مشتمله بر دعای پادشاه جمجاه]
۴۵	[جواب محضر جماعت اهل سنت]
۴۹	مرحله اولی: احوال ظلمت کده هندوستان
۴۹	مقدمه در قسمت مملکت هندوستان است
۵۰	تعداد صوبه های هند
۵۲	مقصد اول: در بیان گزارشات هند و احوال بعضی از طریقه هند و غیره است

- ۵۲..... [اعتقاد هندو در خلقت عالم]
- ۵۴..... [بیان مذهب اهل هندو [در تناسخ]
- ۵۵..... [احوال طفل رضیع هندو]
- ۵۵..... [احوال زن هندویی که بعد از سوختن تکلم کرد]
- ۵۶..... [احوال راجه نیپال]
- ۵۷..... [رد مذهب تناسخ و دفع شبهه راجه نیپال و غیره از واقعات]
- ۵۷..... [رساله آخوند ملاعلی نوری در ردّ بر تناسخ]
- ۶۳..... [احوال میر مسیح الله منجم]
- ۶۴..... [احوال تفضل حسین خان مرحوم]
- ۶۴..... [حبس نفس یا ریاضت]
- ۶۵..... [فایده حبس نفس و طریقه ریاضت آن]
- ۶۵..... [احوال راجه پونه]
- ۶۶..... [احوال فقیری که ادعا نمود که دوازده سال اکل و شرب ننموده]
- ۶۶..... [احوال مرتاضی که در عصر اورنگ زیب پیدا شد]
- ۶۷..... [احوال مرتاض مدرّس]
- ۶۷..... [احوال شخص دیگری که حبس نفس نمود]
- ۶۸..... [سبب بت پرستی هندو]
- ۷۰..... [حکایت اسکندر با برهمن بادشاه و فیلسوف هند]
- ۷۱..... [مطارحه اسکندر و فیلسوف]
- ۷۲..... [احوال سومنات و جگرنات]
- ۷۳..... [تسلط سلطان محمود بر سومنات]
- ۷۴..... [پیشکش سلطان هند برای سلطان محمود]
- ۷۵..... [و اما جگرنات] [و وضع رفتار در آنجا]
- ۷۷..... [بعضی کارهای هندو با جگرنات]
- ۷۷..... [طریقه اکل هندو و غیره]
- ۷۸..... [بیان درد کشیدن مرد و وضع حمل زنان]
- ۷۹..... [مقصد دوم: در ذکر اعیاد مشهوره مختصّه به جماعت هندو و مشترکه
- ۷۹..... [و بعضی از غرایب دیگر است]

۸۰	[عید رت جاتره]
۸۱	[احوال صالح رام اصفهانی که برهنه شد]
۸۲	[عید دیوالی]
۸۳	[عید بسنت و هولی]
۸۴	[ستی شدن زنان هنود «دفن زن با شوهرش»]
۸۶	[حالت احتضار هنود]
۸۶	[بیان دریای گنگ]
۸۷	[طریقه معالجه جماعت هنود در امراض]
۸۸	از جمله حکایات غریبه: احوال شخصی که در مدت بیست سال سم الفار اکل نمود
۸۸	تعزیه داری جماعت هنود [و مسلمانان در عاشورا]
۸۹	[تعزیه داری دکن و بیرون آوردن نعل صاحب]
۹۰	[ذکر تعزیه خانه مرحوم آصف الدوله]
۹۰	[شرح حال ملا محمد شوشتری]
۹۱	[احوال کشت و زرع آن بلد]
۹۱	[بیان درختان کوچک که ثمر دهند]
۹۴	[طوطی]
۹۵	[طاوس]
۹۵	[گربه]
۹۵	[میمون]
۹۶	[حکایت میمون]
۹۶	[حیوانات هند]
۹۶	[فیل و طریق صید آن]
۹۷	[احوال گرگدن]
۹۸	پان و مسی
۹۹	[احوال کهری هند: ساعت]
۱۰۰	[شیشه ساعتی]
۱۰۰	[بعضی آداب در هند]
۱۰۱	[نذر دادن]

۱۰۲	 [تدبیر ساختن برف و یخ]
۱۰۲	 [طریق سرد کردن آب]
۱۰۳	 طریقه شکار کردن اهل هند
۱۰۴	 [خس خانه]
۱۰۵	 مقصد سوم: در ذکر مجملی از صوبه جاتی که حقیر خود دید
۱۰۵	 بندر بمبئی
۱۰۶	 [گدایی لاک پشت]
۱۰۶	 [نبولی]
۱۰۷	 [امین آباد]
۱۰۷	 [کرمله]
۱۰۷	 [حیدرآباد]
۱۰۸	 [احوال میر عالم شوشتری]
۱۱۱	 احوال حیدرآباد
۱۱۲	 [احوال سپاهی زنانه]
۱۱۲	 احوال مچھلی بندر
۱۱۳	 [احوال نیلور]
۱۱۳	 احوال مدرس
۱۱۴	 [احوال صدرس]
۱۱۴	 مجملی از احوال دکن و نظامعلی خان رئیس
۱۱۶	 [احوال تیپو سلطان و محاربه با انگلیسیه]
۱۱۸	 [مسلط شدن انگلیسیه بر هند]
۱۱۹	 [صحبت فیما بین حقیر و فرمانفرمای هندوستان]
۱۲۰	 [تدبیر مداخلت انگلیسیه با امرای هندوستان]
۱۲۴	 [احوال کلکته]
۱۲۵	 [قلعه کلکته]
۱۲۶	 [احوال بنگاله]
۱۲۸	 [هوای بنگاله]
۱۲۸	 [حکایت محمدرضای شیرازی]

۱۳۰	سفیر ایران محمد نبی خان در کلکته
۱۳۰	[بازگشت مولف به بوشهر]
۱۳۱	[وضع خانه فراموشان]
۱۳۲	[احوال سیرام پور و چچره]
۱۳۳	[مرشد آباد و اقامت سه ساله مولف]
۱۳۳	[منازعه فیما بین حقیر و جماعت اهل سنت]
۱۳۶	[توصیه ملاعلی نوری به بازگشت مولف به ایران]
۱۳۶	[بیان احوال ضعیفه مرتاضه]
۱۳۷	[راج محل]
۱۳۸	[باکل پور]
۱۳۸	[چشمه سیتاکند]
۱۳۹	[احوال عظیم آباد]
۱۳۹	[درخت تاری]
۱۴۰	[از جمله بناهای شیر شاه افغان]
۱۴۰	[عطر قاضی پور]
۱۴۱	[احوال بنارس]
۱۴۲	[احوال جانپور]
۱۴۳	[احوال لکهنو]
۱۴۴	[احوال پیگو]
۱۴۵	[قاعده اهل پیگو در احترام سلطان]
۱۴۶	[بعضی از قواعد آن مملکت]
۱۴۹	مقصد چهارم: ذکر مملکت فرنگ و طریقه و آداب فرنگیان در امور و ذکر ارض جدید است
۱۴۹	مقدمه در ذکر مجملی از احوال کواکب و ارض است بنابر طریقه حکمای فرنگ
۱۴۹	[دلیل بر گردش ارض]
۱۵۰	[احوال کره آفتاب و...]
۱۵۱	[نفی آسمانها]
۱۵۱	[تقسیم دنیا / تقسیم زمین]
۱۵۲	فایده اولی: دانشمندان آن‌ها زمین را به چهار قسم تقسیم نموده‌اند:

بنام خداوند بخشنده مهربان

مقدمه مصحح در باره مولف و کتاب

برای نخستین شناخت ما ایرانیان از فرنگ، سه کتاب را هرگز نباید فراموش کرد. مسیر طالبی از میرزا ابوطالب خان تبریزی که میان سالهای ۱۲۱۳-۱۲۱۸ اروپا و هند را دیده است. دوم تحفه العالم میر عبداللطیف شوشتری که میان سالهای ۱۲۱۶-۱۲۲۰ کتاب خود را نوشته است. و مرآت الاحوال آقا احمد کرمانشاهی که میان سالهای ۱۲۲۰-۱۲۲۵ در هند بوده و این کتاب ارجمند را نوشته است.^۱ هر سه اثر بسیار مهم و برای شناخت ما ایرانیان از هر جهت ارزشمند است. اکنون باید کتاب چهارمی را هم بر آنها افزود و آن تحفه خاقانیه است که نویسنده پس از چند سال گشت و گذار در هند در سال ۱۲۳۱ نوشته است. همه این سالها قمری است و چنان که ملاحظه می شود، یاد از آنها روی ترتیب تاریخی است. محتوای این کتابها، در بسیاری از موارد شباهت های زیادی به یکدیگر دارد، و تقریباً می دانیم و خود آنها هم در موارد اندکی یادآوری کرده اند که از منابع دیگر استفاده کرده اند. بخش قابل توجهی از آنچه در تحفه خاقانیه آمده، به مطالبی که در تحفه العالم شوشتری و مرآت الاحوال کرمانشاهی آمده، شباهت دارد و پیداست که مطلب آنها را تخلیص کرده و عبارات را تغییر داده است. نویسنده تحفه، از میرزا ابوطالب خان هم یاد کرده و مطالبی از آن به تصریح، نقل کرده است. بنده سالها پیش گزارش کتاب مرآت الاحوال را که سال ۱۳۷۰ منتشر شد، نوشتم و ضمن مقاله ای که در یکی از مجلات وقت منتشر شد و بعداً در مقالات تاریخی دفتر اول هم آمد، منتشر کردم. اهمیت آن کتاب، و نیز

۱. البته به جز اینها، آثار دیگری هم از نیمه اول قرن نوزدهم در باره فرنگ در زبان فارسی هست. نمونه دیگر آن سفرنامه رضا قلی میرزا نوه فتحعلی شاه (سال ۱۸۳۶) است که به تفصیل در باره فرنگ و مسائل آن سخن گفته است. (تهران، ۱۳۴۶).

تحفه، و طبعاً مسیر طالبی، در شناخت نخستینی که ما ایرانیان از غرب و فرنگ بدست آوردیم، و آنچه از تجربه انگلیسی‌ها در هند درک کردیم، بسیار بسیار مهم است. نویسنده سه کتاب تحفه العالم، مرآت الاحوال و تحفه خاقانیه، هر سه درس آموخته علوم دینی و روحانی هستند، و در مواجهه با آنچه از فرنگی‌ها دیده‌اند، واکنش‌های قابل توجهی دارند. این واکنش را می‌توان به روشنی در هر سه کتاب دید. طبیعی است که ارزش تحفه العالم و مرآت الاحوال، در مقایسه با تحفه خاقانیه بسیار برتر بوده و مطالب مفصل‌تر و دقیق‌تر گزارش شده است. این دو در هند با هم رفیق شدند و بسیار نزدیک بودند و به احتمال افکارشان هم متأثر از همدیگر بود. هر دو قوی و استوار می‌نویسند. آقا احمد کرمانشاهی خبر رفاقت و درگذشت میر عبداللطیف را آورده است.^۱ تصور این است که نویسنده تحفه خاقانیه، غالب مطالب خود را از روی آنها نوشته است، هرچند در دهها مورد از تجربه‌های شخصی خود، سفرش به شهرها، و مشاهداتش یاد کرده است.

در تحقیقاتی که در ایران در باره مراجعه ما ایرانیان با غرب شده، اغلب از این متون استفاده شده و تا آنجا که بنده مراجعه کردم، برخی هم از نسخ خطی تحفه خاقانیه بهره‌های اندکی برده‌اند. این که تاکنون این اثر منتشر نشده، یا دست کم بنده آن را ندیده‌ام، اسباب شگفتی است.^۲

^۱ در مرآت الاحوال جهان نما، ۳۷۰/۱ (آقا احمد کرمانشاهی، قم، ۱۳۷۳) آمده است: ذکر میر عبد اللطیف خان شوشتری و فوت شدن او و از آن جمله بود: جنت و رضوان آرامگاه، مرحمت و غفران پناه مرحوم میر عبد اللطیف خان شوشتری سابق الذکر، وی را با من نهایت دوستی و اتحاد بود، اغلب لیالی و ایام را به مصاحبت و مجالست با او می‌گذرانیدم، به غایت خجسته گفتار و نیکو اطوار، و آرمیده و بزرگ منش و مبادی آداب بود، گاهی نشد که در خانه خود یا در خانه من با من بر مسند مقابل بنشیند، و با آنکه تمام امراء و بزرگان احترام و اعزاز او را منظور داشتند، و نواب فولاد جنگ را نیز به درجه کمال با او لطف و مهربانی بود، فروتنی و کوچک دلی را از دست نداده بود. در تحریر و تقریر نیز سلیقه تامه داشت، و در بدو امر فی الجمله از مراتب علمیه را نیز تحصیل کرده بود، و در روز یکشنبه پنجم ماه ذی القعدة از سنه یک هزار و دوصد و بیست [۱۲۲۰] هجری هنگام غروب آفتاب در آن بلده به رحمت ایزدی پیوست، و خار مفارقتش بر دل دوستان نشست، اعزّه و اعیان بر جنازه‌اش حاضر شدند، و با دستگاه تمام تشییع کرده در دائره میر مدفون کردند، تغمده الله بقرانه.

^۲ آقای دکتر سید محمد مهدی مقاله‌ای با عنوان «نظری به سفرنامه تحفة الخاقانیه» در مجله «فند پارسی»، ش ۱۰، زمستان ۱۳۷۴ صص ۱۶۰ - ۱۸۲ نوشته‌اند که بر اساس آن نوشته، گزارشی از این کتاب در «دانشنامه ادب فارسی: ۷۲۲/۴» (تهران، ۱۳۸۰) درج شده است.